

نشریه علمی - پژوهشی بهبود مدیریت
سال هشتم، شماره ۱، پیاپی ۲۲، بهار ۱۳۹۳
صفحات ۴۸ - ۲۷

اهداف و مفروضات آینده پژوهی اسلامی

(تاریخ دریافت: ۹۲/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۲)

محمدرحیم عیوضی^۱، عبدالرحیم پدرام^{*۲}

چکیده

آینده پژوهی دانشی معطوف به عمل است و تنها با تاملات نظری شکل نمی گیرد. بنابراین تا زمانی که آینده پژوهی اسلامی در عمل شکل نگیرد نمی توان آن را به خوبی توصیف کرد اما در حال حاضر می توان گزاره هایی از آن مانند اهداف و مفروضات را ارایه داد. ضمن آن که باید توجه داشت که آینده پژوهی اسلامی تابع شرایط و اقتضات مکانی و زمانی نیز هست و این امر در شکل گیری آن نیز تاثیرگذار هستند.

البته برخی از اهداف و مفروضات آینده پژوهی رایج در آینده پژوهی اسلامی نیز مورد پذیرش هستند اما در مواردی اختلاف نیز دارند. در این مقاله تلاش شده است تا بر پایه منابع اسلامی (به ویژه قرآن کریم) برخی از اهداف و مفروضات آینده پژوهی اسلامی ارایه شوند. آینده پژوهی اسلامی وجوه اشتراک و افتراقی با آینده پژوهی رایج دارد. هر چند تا زمانی که آینده پژوهی اسلامی در عمل شکل نگیرد، نمی توان در خصوص چستی آن، اظهار نظر دقیقی کرد، اما به منظور تسریع و جهت دهی فرایند تحقق آینده پژوهی اسلامی، لازم است وجوهی از آن در قالب گزاره هایی از اهداف، مفروضات ارایه شوند.

واژگان کلیدی:

آینده پژوهی اسلامی، اهداف و مفروضات آینده پژوهی، نظام "نگرش-آینده پژوهی" آینده اندیشی و اسلامی سازی علم و فناوری.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

* ۲- دکتری آینده پژوهی (نویسنده مسؤول): abdurrahim.pedram@gmail.com

۱- مقدمه

بررسی مبانی بنیادین و مسیر شکل‌گیری و رشد آینده‌پژوهی نشان از آن دارد که این دانش در بافتار و اندیشه غربی شکل گرفته و در تعریف و مبانی ویژگی‌های غربی دارد. همچنین چند تن از آینده‌پژوهان بر سکولار بودن این دانش تاکید کرده‌اند [۱]. دلایل و شواهد مختلف حکایت از آن دارند که آینده‌پژوهی رایج از منظر گرایش، نگرش و روش بسیاری از نشانه‌های غرب را دارد. البته این بدان معنا نیست که هیچ نشان غیرغربی در آن یافت نمی‌شود اما می‌توان به چیرگی اندیشه‌ی غرب و سکولاریسم بر آینده‌پژوهی مطمئن بود. از سوی دیگر این دانش به شرایط ارزشی و فرهنگی جوامع گوناگون وابسته است. برای نمونه می‌توان به پروژه‌هایی چون هزاره [۲]، روندهای جهانی ۲۰۳۰^۱ و مفاهیمی چون شوک آینده [۳] و پارادایم جبرگرایی فناورانه [۴] و انکار آینده محتوم [۵] اشاره داشت که همگی نشان از نگرش سکولاریستی و گرایش‌ها و روش‌های غربی دارند. بنابراین این دانش غربی نمی‌تواند برای جوامع غیرغربی از اثربخشی لازم باشد. و لازم است که هر جامعه‌ای متناسب با وضعیت خود به طراحی نسخه‌ای بومی از آینده‌پژوهی اقدام کند.

آینده‌پژوهی اسلامی، نسخه‌ای نو از آینده‌پژوهی است که می‌کوشد در چارچوب و اصول دین اسلام قرار گیرد و از جهان‌بینی و توصیه‌های اسلامی نهایت استفاده را می‌کند. آینده‌پژوهی اسلامی برخلاف آینده‌پژوهی مرسوم (سکولار و غربی)، نه تنها دین را کنار نمی‌گذارد، بلکه بر این باور است که نمی‌توان بدون سازگاری با اسلام و بهره‌گیری از آموزه‌های گسترده آن آینده‌پژوهی کرد.

تحقق آینده‌پژوهی اسلامی افزون بر دین اسلام، متاثر از شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی نیز هست و با توجه به این که اقتضائات در حال حاضر روشن نیستند، تصویرپردازی از آینده‌پژوهی اسلامی دشوارتر می‌شود و بر این اساس دو پرسش کلیدی مطرح است:

- اگر چیرستی آینده‌پژوهی اسلامی به عنوان چشم‌انداز مسیر تحقق آن مشخص نباشد پس چگونه می‌توان آن را شکل داد؟
- آیا ارایه هر گزاره‌ای از آینده‌پژوهی اسلامی غیرممکن است؟

در پاسخ به این دو پرسش می‌توان گفت که چشم‌انداز، مطلوب‌ترین آینده ممکن است که باید در جهت تحقق آن تمام ظرفیت‌ها و فعالیت‌ها را جهت‌دهی کرد. چشم‌انداز آرمانی ما تحقق کامل آینده‌پژوهی اسلامی است که در حال حاضر زمان تحقق آن روشن نیست اما می‌توان چشم‌انداز عملیاتی ارایه کرد و مطلوب‌ترین آینده ممکن است که وجوه آن قابل ارایه است را به تصویر کشید. این چشم‌انداز، افقی است که می‌تواند به مثابه ستاره راهنمایی فعالیت‌ها و ظرفیت‌های آینده‌پژوهان اسلامی را در جهت تحقق آن، هم‌افزا و هماهنگ کند. در این صورت با رهیافتی راهبردی و یک افق زمانی مشخص، گام‌هایی استوار در راستای چشم‌انداز آرمانی برداشته شده و وجوهی تازه از آینده‌پژوهی ترسیم می‌شود. ضمن آن که می‌توان گزاره‌هایی کلی از آینده‌پژوهی اسلامی ارایه داد هر چند ناقص باشند و یا در طول زمان اصلاح شوند. رویکرد اصلی در

شکل بخشیدن به آینده‌پژوهی اسلامی، رویکرد گذار (و نه تاسیسی) است چرا که آینده‌پژوهی امروزی حاصل یکصد سال تجربه و تعقل بشر است در مسیر تحقق آینده‌پژوهی اسلامی این موهبت را نمی‌توان به راحتی از دست داد. باید توجه داشت که آینده‌پژوهی رایج با تمام مشکلاتش پاسخگوی برخی مسائل و چالش‌ها هست اما باید تلاش کرد در فرایندی پیوسته از آینده‌پژوهی رایج به آینده‌پژوهی اسلامی رسید. آینده‌پژوهی اسلامی برگرفته از جهان‌بینی اسلامی است و در پی بهره‌گیری حداکثری از آموزه‌های آن است. بنابراین با بررسی منابع اسلامی می‌توان وجوهی از آینده‌پژوهی اسلامی را ارائه کرد.

زمینه طرح مسئله از این جا آغاز می‌شود که مطالعات حوزه‌های فلسفه و جامعه‌شناسی علم و فناوری نشان می‌دهند که وجوهی از هر علم یا فناوری، از فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه، تأثیر می‌پذیرد [۶] لذا آینده‌پژوهی نیز به مثابه یک علم-فناوری، امری مستقل از این عوامل نیست. مسئله اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان نسخه‌ای نو از آینده‌پژوهی با عنوان آینده‌پژوهی اسلامی ارائه کرد که بر خلاف آینده‌پژوهی سکولار از منبع عظیم و لایتناهی اسلام بهره جسته و بیشترین قابلیت‌ها و ابزارها را برای آینده‌پژوهان فراهم سازد.

برای این منظور لازم است که برخی اهداف و مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی بر اساس منابع دینی ارائه شوند تا جهت‌گیری کلی آن مشخص شود. در این راستا بل در کتاب مبانی آینده‌پژوهی [۷] برای آینده‌پژوهی رایج کوشیده است اهداف، مفروضات و برخی از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اصلی آن را به گونه‌ای توصیف کند که هم با دیدگاه‌های اکثر آینده‌پژوهان سازگار باشد و هم توسط جامعه جهانی آینده‌پژوهی مورد پذیرش قرار گیرد [۸].

با بهره‌گیری از منابع اسلامی و دیدگاه‌های آینده‌پژوهان علاقه‌مند به آینده‌پژوهی اسلامی، می‌توان گزاره‌هایی در خصوص خطوط کلی آینده‌پژوهی اسلامی ارائه داد. نکته قابل توجه آن است که اهداف و مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی به طور کامل با آینده‌پژوهی رایج متفاوت نیست و دارای وجوه اشتراک نیز هستند. در حال حاضر هم نمی‌توان به طور کامل تفاوت‌ها و شباهت‌ها را تعیین کرد. بلکه باید برخی از مهم‌ترین اهداف و مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی را ارائه کرد تا جهت‌گیری کلی آن مشخص شود. بدون شک در طول زمان و آغاز فرایند عینیت بخشیدن به آینده‌پژوهی اسلامی، این موارد اصلاح و تکمیل خواهند شد.

۲- اهداف و مفروضات آینده‌پژوهی رایج

هدف اصلی آینده‌پژوهی حفظ یا بهبود آزادی و رفاه زندگی^۱ انسان است [۹]. بل بر این باور است که آینده‌پژوهی در دوران تسلط پوزیتیویسم بر علوم اجتماعی شکل گرفته است و بسیاری از نشانه‌های پوزیتیویسم را به همراه دارد. افزون بر این بل تأکید می‌کند که این دانش سکولار است و دین همانند

^۱ - maintain or improve the freedom and welfare of humankind

پدیده‌هایی چون غیب‌گویی و جادوگری هیچ جایگاهی در آینده‌پژوهی ندارند. سهیل عنایت‌ا... که یک آینده‌پژوه پاکستانی است نیز می‌کوشد تعریفی کوتاه و رسا از آینده‌پژوهی ارائه کند. وی آینده‌پژوهی را مطالعه‌ی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده می‌داند [۱۰]. یکی از نکات جالب و متفاوت دیدگاه عنایت‌ا...، توجه ویژه‌ی او به جهان‌بینی و اسطوره‌ها است. وی تصریح می‌کند، آینده‌پژوهی کاملاً وابسته به ارزش‌ها، گفتمان‌ها و باورهای یک جامعه است. بنابراین در نگاه عنایت‌ا...، آینده‌پژوهی می‌تواند به صفاتی چون غربی و شرقی توصیف شود. وی به تازگی، بر اساس تعاریف خود و دیگر آینده‌پژوهان مطرح (ماسینی، بل، آمارا، سردار و سائول) کوشیده است تعریفی جامع و مورد اتفاق نظر اکثر آینده‌پژوهان ارائه کند. وی در این تعریف هدف آینده‌پژوهی را مطالعه‌ی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح همراه با در نظر گرفتن جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های نهفته در هر آینده معرفی کرده است. وی تأکید می‌کند که آینده‌پژوهی در ۵۰ سال اخیر از پیش‌بینی آینده به سوی نگاشت آینده‌های بدیل و شکل‌بخشیدن به آینده‌ی مطلوب گذار کرده است. هم در سطح فردی و داخلی و هم در سطح خارجی و جمعی این ارتقا در دانش آینده‌پژوهی رخ داده است [۱۱].

آینده‌پژوهان می‌کوشند ابهام را از آینده بزدايند و مسیری روشن برای ترسیم آینده‌ی مطلوب بشریت ترسیم کنند. بدین منظور آینده‌پژوهان باید علل تغییر را بیابند. و تغییر از دید آنان ریشه در پیشرفت‌های فناوری دارد. البته بل معتقد است که فناوری ریشه در شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد و بدون توجه به این شرایط نمی‌توان نظام توسعه فناوری را درک کرد. بل تأکید ویژه‌ای بر مسایل اخلاقی دارد. و در نوشتارهای مختلفی اشاره کرده است که آینده‌پژوهان نباید آینده را از آن خود کنند. بلکه باید بکوشند با نگاه به ارزش‌های والای بشریت^۱ اطلاعات و توصیه‌هایی ارائه کنند که جامعه به سوی سطحی مطلوب از رفاه و آزادی هدایت شود. بر این اساس وی با بررسی دیدگاه‌های آینده‌پژوهان برجسته، اهداف آینده‌پژوهی را به شرح ذیل معرفی می‌کند:

- بررسی آینده‌های ممکن؛
- بررسی آینده‌های محتمل؛
- بررسی تصویرهای آینده؛
- بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی؛
- بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی؛
- تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال؛
- تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی؛
- افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن؛
- ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن [۱۲].

۱- آنچه وندل بل به عنوان ارزش‌های والای بشریت می‌داند کاملاً بر اساس نگرش و جهان‌بینی غربی است.

وی مفروضات آینده‌پژوهی را در سه قالب مفروضات کمکی، عام و خاص بر می‌شمرد. بررسی این مفروضات می‌تواند تصویر خوبی از اندیشه‌های او را نشان دهد. بل همواره کوشیده است که دیدگاه‌های دیگر آینده‌پژوهان را گردآوری و نظرات خود را همسو با آنان ارائه دهد. بنابراین بررسی دیدگاه‌های وندل بل می‌تواند سوگیری نظری آینده‌پژوهان مطرح را نشان دهد. بل برای آینده‌پژوهی، ۹ مفروض کلیدی را ارائه داده است:

- زمان، پیوسته، خطی، یک سویه و برگشت‌ناپذیر است.
- آینده منحصر به فرد است؛ به عبارت دیگر هر آن چه در آینده رخ می‌دهد، لزوماً در گذشته و حال وجود نداشته است.
- آینده‌پژوهی برای کنش انسانی ضروری است؛ هر اقدام و کنشی در زمان حال، پیامدی در آینده دارد. و چون انسان برای هر کنشی به تصمیم‌گیری نیاز دارد لذا آینده‌پژوهی برای انسان ضروری است.
- مفیدترین دانش، آگاهی داشتن از آینده است. چرا که انسان کارهایی مانند برنامه‌ریزی، کشف بدیل‌ها، انتخاب اهداف و اولویت‌ها و ... بدون نگاه به آینده و اطلاع از چند و چون تغییرات آن نمی‌تواند، موفق باشد.
- آینده غیرقابل مشاهده است؛ هیچ گزاره‌ای قطعی در خصوص آینده وجود ندارد و معرفت ما نسبت آینده "حدسی" است.
- آینده سرشار از عدم‌قطعیت است. آینده از پیش تعیین شده نیست و اقدام انسان‌های آینده را شکل می‌دهد. بنابراین آینده حتمی و قطعی نیست و می‌توان آن را تغییر داد.
- آینده فقط توسط انسان‌ها ساخته می‌شود. آینده بر اساس اقدامات فردی و جمعی انسان‌ها ساخته می‌شود و این به معنای آن است که باید افق دید به جای "آینده چه هست؟" به "آینده چه باید باشد؛" تغییر یابد.
- نیاز به کل‌گرایی؛ به دلیل وابستگی متقابل پدیده‌ها به یکدیگر، شناخت آینده نیازمند شناخت دقیق تمام اجزای یک نظام و چگونگی تعامل آن‌ها با محیط با رهیافت کل‌گرایی تعدیل یافته است.
- جانب‌داری از یک تصویر ویژه از آینده؛ شکل بخشیدن به آینده‌ای مطلوب، مرهون تصویرپردازی از آینده به منظور ایجاد یک حرکت اجتماعی است [۱۳].

بررسی دقیق این اهداف و مفروضات نشان از یک نگاه اومانستی به فرد، جامعه و تاریخ است و ریشه در اندیشه‌های جامعه‌شناسی غربی دارد. اندیشه‌هایی که انسان را مجاز می‌داند تا فعالانه نسبت به تقریر آینده‌ای دلخواه اقدام کند و تنها عامل شکل‌بخشیدن به آینده را انسان می‌داند و بر این باور است که جز عوامل و پدیده‌های فیزیکی تجربه‌پذیر، عامل دیگری در تعیین سرنوشت انسان دخیل نیست. وندل بل در زمره‌ی آینده‌پژوهانی است که به صراحت این دانش را سکولار می‌داند و این باور به طور آشکار در اندیشه‌های او رسوخ کرده است.

۳- بررسی دیدگاه‌های مطرح در خصوص آینده‌پژوهی اسلامی

آینده‌پژوهی رایج در بستر اندیشه و بافتار غربی شکل گرفته است و بسیاری از نشانه‌های غربی را با خود دارد [۱۴]. این دانش غربی افزون بر آن که نمی‌تواند پاسخ‌گوی جوامع غیرغربی باشد به دین نیز بی‌توجه است. حتا برخی از آینده‌پژوهان به طور تصریح بر سکولار بودن آینده‌پژوهی تاکید داشته‌اند. [۱۵]. آینده‌پژوهی اسلامی به عنوان نسخه‌ای نو و بدیل آینده‌پژوهی رایج می‌کوشد این چالش‌ها را بر طرف سازد. آینده‌پژوهی شاخه‌ای از علوم انسانی است و با ویژگی‌های انسانی جامعه سروکار دارد؛ از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده‌پژوهی دانشی ارزش‌بنیان است و به همین سبب ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستگی با جهان‌بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد [۱۶]. بر این پایه، کاربست آینده‌پژوهی نیازمند بهره‌گیری از نسخه‌ی بومی شده‌ی آن است. بدون تردید، ملتی که دانش تحلیل و مهندسی آینده را از دیگران تقلید کند، راه خطا در پیش گرفته و آینده‌ی خود را بر پایه‌ی ارزش‌های دیگران توصیف کرده و خواهد ساخت [۱۷]. بنابراین یکی از اصلی‌ترین نیازمندی‌های بومی‌سازی آینده‌پژوهی در ایران، توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی است. اثربخشی آینده‌پژوهی و بهره‌گیری شایسته از آن در ایران مرهون شکل‌گیری آینده‌پژوهی اسلامی است. آینده‌پژوهی اسلامی مقدمه‌ی مهمی برای طراحی آینده‌پژوهی بومی در کشورهای اسلامی مانند ایران است.

البته باید توجه داشت که میان آینده‌پژوهی اسلامی و آینده‌پژوهی مسلمانان متفاوت هستند. آینده‌پژوهی اسلامی نسخه‌ای بدیل از آینده‌پژوهی است اما آینده‌پژوهی مسلمانان همان آینده‌پژوهی رایج است که به دلیل بهره‌گیری توسط مسلمانان حداقل تأثیر از دین را می‌پذیرد. این در حالی است که آینده‌پژوهی اسلامی به حداکثر میزان، تحت تأثیر دین است.

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که به دلیل حاکمیت دیدگاه سکولار بر آینده‌پژوهی، فعالیت قابل توجهی در حوزه آینده‌پژوهی اسلامی و حتا آینده‌پژوهی دینی انجام نشده است. هر چند در برخی منابع، مطالبی ارایه شده است اما هیچ یک بر اساس پژوهش‌های روش‌مند و علمی تدوین نشده‌اند و قابل استناد به شمار نمی‌آیند. البته در حوزه آینده‌پژوهی با موضوع اسلام (مانند آینده جهان اسلام، آینده مسلمانان، اسلام به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تاثیرگذار بر آینده و ...) و حوزه‌ی آینده از دیدگاه اسلام (مهدویت، احادیث و آیات پیشگو و ...) در ایران و جهان، فعالیت‌های زیادی انجام شده است.

بررسی این منابع نشان‌دهنده‌ی آن است که آینده‌پژوهی در حوزه تفکر اسلامی، هنوز در مراحل اولیه رشد، است. در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، اکثر تالیفات در این رابطه، توسط سردار و برخی از همکارانش یعنی مریل وین دیویس^۱، ذکی کرمانی^۲، ایوب ملک^۳، اساریا^۴، پرویز منصور^۵، منور احمد انیس^۶، گلزار حیدر^۷

۱- Meryll Wyn Davies

۲- Zaki Kirmani

۳- Ayyub Malik

۴- Asaria

۵- Parvez Manzoor

۶- Munawar Ahmad Anees

۷- Gulzar Haidar

و ابراهیم سلیمان^۱ نوشته شده بود. او و همکارانش در اصل به عنوان گروهی از متفکران^۲ - که انجمن اجمالی^۳ نامیده می‌شوند- فعالیت می‌کنند [۱۸]. سردار معتقد است که علم اسلامی و نظریه‌پردازی در چارچوب دین اسلام راه مناسبی برای شکل دادن به آینده‌پژوهی اسلامی است [۱۹]. سردار به همراه همکاران خود در انجمن اجمالی، می‌کوشند تا گزینه‌هایی از آینده را ترویج دهند که شامل همه آموزه‌های اسلامی باشد و در نتیجه، اسلام را به عنوان مناسب‌ترین شیوه زندگی معرفی کند. افزون بر این، سردار و همکارانش، شدیداً تأکید می‌کنند که ما نیاز مبرمی، به فراهم کردن طرحی جامع^۴ از آن جامعه‌ی آینده داریم. وی می‌گوید: "... برنامه‌ریزی‌ها برای رسیدن به طرح جامع، می‌بایست انعطاف‌پذیر باشند، نه اینکه یک بار و برای همیشه فراهم شوند؛ بلکه آن‌ها باید پیوسته تکامل یافته، اصلاح و به روز شوند." وی همچنین خاطر نشان می‌کند: "... اشتباهی بزرگ است که بیندازیم، پیامبر(ص) برنامه‌ریزی نمی‌کرد یا طرحی جامع از فعالیت‌های آینده‌اش، فراهم نمی‌کرد." برای نمونه، هجرت پیامبر(ص) به مدینه، نیازمند برنامه‌ریزی مفصلی بود. بنابراین، شایسته است که بگوییم، پیامبر(ص) تصویری شفاف از آنچه می‌خواهد به آن برسد، داشت و متناسب با آرمان‌هایش، حرکت می‌کرد [۲۰].

در اندیشه آینده‌پژوهان مسلمان، آثاری که ترکیبی از تفکر و روش‌شناسی آینده‌نگرانه هستند، عبارتند از: "آینده‌ی تمدن اسلامی"^۵ [۲۱] و "آینده‌پژوهی اسلامی: تجسم طرح‌های آینده"^۶ [۲۲]. سردار در کتاب "آینده‌ی تمدن اسلامی"، اهمیت آینده‌پژوهی را، به عنوان راهی برای ایجاد پارادایم و روش‌شناسی تازه، در فهم و بکارگیری آموزه‌های اسلامی در چشم‌اندازی متمدانه، مورد تأکید قرار می‌دهد، تا بازسازی تمدن اسلامی را، در آینده آسان کند. وی، نمونه‌ای از طرح متمدانه را، با نام "پروژه عمران"، پیشنهاد می‌دهد و طرحی عملی را، تشریح می‌کند که می‌بایست، توسط امت اسلامی و به ویژه خردمندان این امت، تحقق یابد. پژوهشگر مسلمان دیگری که با گفتمان آینده‌پژوهی سروکار دارد، مهدی المنجره است. وی با بهره‌گیری از آیات قرآن و آموزه‌های اسلامی بیان می‌دارد که باید مفاهیم اسلامی مورد نیاز برای تحقق آینده‌ی مطلوب برای جهان اسلام را فراهم ساخت. وی با تأکید بر مفاهیمی چون غیب و مستقبل و تفاوت قائل شدن میان مفاهیمی چون بدعت‌گذاری و نوآوری، در پی راهی برای شتاب بخشیدن به تحقق آینده‌ی مطلوب جهان اسلام است [۲۳].

المنجره معتقد است، که اسلام، شیوه‌ای پویا از زندگی است، که به وسیله آن، به انسان فرصت و اختیار داده می‌شود، تا سرنوشت خویش را انتخاب کرده و محیط زیست خود را، با اقدامات هوشیارانه خویش تحت تأثیر قرار دهد. درک این مطلب که انسان، قدرت تغییردادن هر چیزی را، مطابق با خواست خویش دارا است، شناخت بسیار مهمی از توانایی‌های انسان است، که بر مفهوم سرنوشت (قَدَر) در بینش اسلامی دلالت دارد. هنگامی که مسلمانان، روزگار طلایی خویش را پشت سر گذاشتند، این آگاهی از خاطره‌ها پاک شده بود که

۱- Ibrahim Sulaiman

۲- think tank group

۳- Ijmāli group

۴- blueprint

۵- The Future of Muslim Civilization

۶- Islamic Futures: The Shape of Ideas to Come

انسان می‌تواند از طریق برنامه‌ریزی هوشیارانه‌ی اقدامات خود، در آینده‌خویش تاثیرگذار باشد. و با اعتقاد به اینکه آینده را خداوند از قبل معین کرده است، این بی‌اطلاعی، تمام زندگی او را، تحت تاثیر قرار داده بود؛ و در نتیجه آنان، راه را گم کردند و بی‌آینده شدند.

در این رابطه، استدلال المنجره که مسلمانان باید بین مفهوم بدعت^۱ و نوآوری^۲، تمایز قائل شوند تا نشاط انسان به طور کلی و بقای امت اسلامی به طور ویژه ادامه یابد، بسیار مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. کوتاهی در تفکیک این دو مفهوم، به طور قطعی امت را در تنگنای کنونی‌شان، رها خواهد ساخت.

نظیر سردار، المنجره نیز می‌کوشد تا اهمیت تفکر درباره آینده را به منظور ترویج نسخه اسلامی آینده‌پژوهی، نشان دهد. او بر این نکته تاکید دارد، که پیامبر(ص) به وسیله اعمال و رفتار خویش، آینده‌نگری راه، تأیید کرده است. در واقع، به مسلمان، پیامدهای رفتارش در زندگی، خواه در دنیا و خواه در جهان آخرت، تذکر داده شده است. از این رو، این نوع آگاهی، بدون شک بر اهمیت آینده‌پژوهی در اندیشه اسلامی، دلالت دارد و لذا عقیده‌ی دیدگاه جبری، که مفهوم پویایی قدر را در جهان‌بینی اسلامی، در بسیاری از جاها، لکه‌دار می‌کند، رد می‌کند. همچنان که المنجره، به درستی مدعی آن است: "... اگر حضرت محمد(ص) و اصحاب وی در تصور و پیش‌بینی آینده، کوتاهی نموده بودند؛ شاید امروز در جهان، مسلمانان جمعیتی در حدود یک میلیارد و دویست میلیون، نمی‌داشتند."^۳

آثار این آینده‌پژوهان به دلیل تاکید بر ضرورت فاصله‌گرفتن آینده‌پژوهی از مبانی و اندیشه سکولاریستی نقشی مؤثر در شکل‌گیری آینده‌پژوهی اسلامی و ترویج این مفهوم در جامعه‌ی جهانی آینده‌پژوهی دارند [۲۴].

دیدگاه‌های مطرح در خصوص آینده‌پژوهی اسلامی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: بر پایه دیدگاه نخست، آینده‌پژوهی در جوامع اسلامی را می‌توان به صفت اسلامی موصوف کرد چرا که تحت تاثیر نگرش و جهان‌بینی اسلامی است و توسط مسلمانان به سامان می‌رسد. رجا محمد اکرام اعظم، از مشهورترین اندیشمندان صاحب این دیدگاه است. دیدگاه دوم توسط سردار مطرح شده است که علم اسلامی زیربنا و راه اصلی برای رسیدن به آینده‌پژوهی اسلامی به شمار می‌آید. و باید علم آینده‌پژوهی را اسلامی کرد. و دیدگاه سوم که توسط المنجره مطرح شده است که آینده‌پژوهی اسلامی از طریق انضمامی کردن آموزه‌های اسلام در آینده‌پژوهی میسر می‌شود. که به نظرمی‌رسد تلفیق این دیدگاه‌ها به ویژه دیدگاه‌های سردار و المنجره فضای خوبی برای بررسی مبانی آینده‌پژوهی اسلامی فراهم می‌سازند.

۴- چارچوب نظری پژوهش

آینده‌پژوهی یک علم- فناوری است و یکی از مهم‌ترین راه‌های طراحی و ایجاد یک علم و یا فناوری بدیل، تغییر چارچوب شناختی-هنجاری حاکم بر آن است [۲۵]. نکته بسیار مهم آن است که مباحث مطرح شده در

۱- heresy

۲- innovation

۳- <http://www.elmandjra.org/livre2/ENGL20.htm> (January 22, 2013).

عرصه‌ی آینده‌پژوهی اسلامی تنها به ابعاد نظری آن اختصاص دارند. و این به تنهایی مسیر را برای عینیت بخشیدن به آینده‌پژوهی اسلامی، فراهم نمی‌سازد. برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی به عنوان نسخه بدیل آینده‌پژوهی رایج دو سطح بدیل‌اندیشی متصور است: یکم در ابعاد نظری یا چارچوب شناختی-هنجاری و سطح دوم روش یا ابعاد عملی؛ بنابراین در ابتدا لازم است، درک درستی از ابعاد نظری و اجرایی آینده‌پژوهی به دست آورد تا بر اساس آن، بتوان چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی را بررسی کرد. برای این منظور لازم است نظام نظری-عملی آینده‌پژوهی تبیین شود. نظامی که هم ابعاد نظری و هم وجوه کاربردی و اجرایی آینده‌پژوهی را در کنار هم ارایه دهد. این وجوه در هم تنیده هستند و نگاه مستقل به هر یک از آن‌ها، نمی‌تواند کلیت آینده‌پژوهی را به تصویر بکشد و مبنایی برای تحلیل کلان آن باشد. برای این منظور، نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" معرفی شده است [۲۶]. این نظام بستری است تا با نگاهی کلان، ابعاد اجرایی و نظری آینده‌پژوهی، به مثابه یک کل درهم تنیده، تحلیل کند.

این نظام از سه بخش اصلی آینده‌پژوهی (فرایندها و پروژه‌های کاربردی)، آینده‌اندیشی (چارچوبی برای تفکر درباره آینده و انگیزش و راهبری تغییر آینده) و نگرش حاکم بر جامعه (جهان‌بینی، گفتمان‌ها و آموزه‌های کلی) تشکیل شده است.

نظام "نگرش-آینده‌پژوهی"، بستری برای نگاه کل‌نگر و تحلیل کلان آینده‌پژوهی است و نمی‌تواند آینده‌پژوهی را جدا از این نظام در نظر گرفت. حال این پرسش مطرح می‌شود که این نظام برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی چه کمکی می‌تواند بکند؟ آینده‌پژوهی بخشی از نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" است. بنابراین چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی را در قالب نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" ارایه داد.

برای تعیین نسبت دین و این نظام لازم است ارتباط بخش‌های مختلف آن با اسلام سنجیده شوند. آینده‌پژوهی اسلامی امکان‌پذیر است [۱]. آینده‌اندیشی و نگرش حاکم بر جامعه به طور آشکار تحت تأثیر دین قرار دارند. جهان‌بینی و آموزه‌های دینی، از عوامل اصلی تشکیل‌دهنده نگرش حاکم بر جامعه هستند. این واقعیت به خوبی در تفاوت فرهنگ و بافتار اجتماعی جوامع دین‌دار و بی‌دین مشهود است. آینده‌اندیشی نیز به همین شکل تحت تأثیر دین قرار دارد، هر دینی کم و بیش دیدگاه مشخصی در خصوص آینده ارایه کرده است. به عنوان مثال آیین‌های تائو و کنفسیوس (از ادیان چینی)، آینده‌مطلوب را بازگشت به دوران باستان می‌دانند و معتقد هستند که جامعه انسانی باید به دوران گذشته بازگردد. ادیان چینی، این بازگشت را هماهنگی بزرگ می‌نامند و برای جامعه انسانی به سه مرحله (دوره‌های آشفتگی و بی‌نظمی، ظهور صلح، صلح یا هماهنگی بزرگ) تا رسیدن به هماهنگی بزرگ (آینده مطلوب) اعتقاد دارند و آموزه‌های گسترده‌ای برای شیوه‌ی اندیشیدن به آینده ارایه کرده‌اند [۲۷]. اما باید توجه داشت که آینده‌اندیشی (همانند آینده‌پژوهی) در میان مسلمانان لزوماً اسلامی نیست.

از سوی دیگر بخش‌های نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" به طور کامل از هم جدا نیستند و نمی‌توان مرز مشخصی بین آن‌ها متصور شد. به عنوان مثال، در مواردی مفاهیم آینده‌اندیشی و آینده‌پژوهی به جای یکدیگر به کار می‌روند. آینده‌پژوهی، یک حوزه دانشی مستقل (در مقایسه با دیگر دانش‌ها) به شمار می‌رود اما بخشی از نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" است. بخش‌های این نظام به طور کامل از هم جدا نبوده و

در هم تنیده هستند، بنابراین در ارتباط با دین، کلیت این نظام می‌تواند به صفت اسلامی موصوف شود. تحقق آینده‌پژوهی اسلامی، نیازمند شکل‌گیری نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" اسلامی است. چرا که آینده‌پژوهی با آینده‌اندیشی و نگرش حاکم در جامعه در هم آمیخته هستند. و نمی‌توان آینده‌پژوهی اسلامی را در بستر آینده‌اندیشی غیراسلامی و یا نگرش غربی حاکم بر جامعه جستجو کرد.

برای شکل بخشیدن به نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" اسلامی، دو سطح از تلاش را باید انجام داد. در سطح نخست، لازم است نظام موجود و ابعاد مختلف آن تبیین و نقد شوند. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نظام نیز باید شناسایی و تحلیل شوند. سطح دوم به تحقق نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" اسلامی اختصاص دارد. در ابتدا باید مکتب آینده‌اندیشی از دید اسلام و وجوه چارچوب شناختی-هنجاری اسلامی را تبیین نمود. آینده‌پژوهان باید با عنایت به منابع اسلامی (آیات قرآن، روایات و ...) نظریه‌ها و شیوه‌های عملی آینده‌پژوهی و عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده (مثل سنت‌های الهی) از دیدگاه اسلام را تبیین نمایند. پس از آن جامعه آینده‌پژوهان با رهیافتی راهبردی بکوشند بر اساس دیدگاه اسلام (مبتنی بر جهان‌بینی اسلام و با استفاده از آموزه‌های اسلامی) نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" اسلامی را در عمل عینیت دهند. این نظام یکباره شکل نخواهد یافت و نیازمند یک فرایند مستمر و پیوسته‌ی گذار از نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" رایج به یک نظام اسلامی است.

دو سطح تلاش برای تحقق نظام "نگرش-آینده‌پژوهی" اسلامی را نباید تفکیک کرد. بلکه این دو سطح در قالب طیفی از فعالیت‌ها هستند که از شناسایی و نقد نظام رایج تا عینیت بخشیدن به نظام اسلامی گسترده شده‌اند. آینده‌پژوهان در این طیف فعالیت می‌کنند.

آینده‌پژوهان اسلامی برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی در رویکرد گذار لازم است با رهیافتی راهبردی از آینده‌پژوهی رایج به سوی آینده‌پژوهی اسلامی گذار کنند. تا زمانی که آینده‌پژوهی اسلامی در عمل شکل نگرفته باشد، نمی‌توان به طور دقیق آن را به تصویر کشید اما می‌توان با تبیین برخی وجوه آن و تدوین راهبردهایی در جهت تحقق آن گام برداشت. باید دقت داشت که آینده‌پژوهی (مرسوم) ثمره‌ی ده‌ها سال فعالیت آینده‌پژوهان برای حل مسائل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... است. آینده‌پژوهی تنها بر اساس تأملات فلسفی و یا نظریه‌پردازی شکل نیافته است بلکه انباشت دانشی حاصل از تجربه به مرور سبب آن شده است که آینده‌پژوهی در عمل شکل یابد. چرا که آینده‌پژوهی تنها از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی توانسته است به یک حوزه‌ی دانشی مستقل ارتقا یابد [۲۸]. بنابراین آینده‌پژوهی اسلامی نیز باید در عمل شکل گیرد و تنها با نظریه‌پردازی محقق نخواهد شد. و تا آن زمان تنها می‌توان وجهی از آن را به تصویر کشید.

۵- برخی از اهداف آینده‌پژوهی اسلامی

یکی از ویژگی‌های دانش‌های مستقلی چون تعیین اهداف آن است. این مهم برای آینده‌پژوهی که دانشی نوپا به شمار می‌آید از اهمیت مضاعفی برخوردار است. به باور وندل بل، توصیف اهداف آینده‌پژوهی افزون بر تعیین قلمرو، مبنایی برای آموزش آینده‌پژوهی و همگرایی فعالیت آینده‌پژوهان است [۲۹]. هدف کلان

آینده‌پژوهی رایج، حفظ و بهبود سطح آزادی و رفاه بشر است. از دیدگاه اسلام این هدف مشکلی ندارد اما نمی‌تواند به عنوان هدف کلان آینده‌پژوهی اسلامی در نظر گرفته شود. چرا که بر اساس اسلام، آینده مطلوب رسیدن به رضای خدا و مقام قرب الهی و سعادت اخروی و دنیوی است^۱ در این مسیر انسان مهم‌ترین نقش را در تأمین سعادت فردی و اجتماعی دارد^۲. همچنین اسلام مسیر تحقق و راه‌های رسیدن به این چشم‌انداز را نیز مشخص کرده است^۳. بنابراین هدف اساسی و کلی آینده‌پژوهی اسلامی گسترش عدالت و معنویت برای رسیدن به سعادت و مقام قرب الهی است.

آینده‌پژوهی اسلامی می‌کوشد که انسان‌ها در کنار زندگی مطلوب دنیوی فردی و اجتماعی، چشم‌انداز اصلی که سعادت اخروی است، محقق شود. چرا که مهم‌ترین سرمایه برای این مهم، اقدامات مردم جامعه در این جهان است. برای فهم بهتر آینده‌پژوهی اسلامی لازم برخی از اهداف فرعی نیز ارایه شوند.

الف. زمینه‌سازی جهت برپایی آینده محتوم انسان‌ها

بر خلاف آینده‌پژوهی سکولار، از منظر آینده‌پژوهی اسلامی آینده‌حتمی وجود دارد. این آینده فرجامین بشر تنها ستاره قطبی برای حرکت کلان تاریخ است. این آینده هنجاری که در تحقق آن از منظر آینده‌پژوهی اسلامی، هیچ شکی وجود ندارد ابزاری برای سنجش درستی و اثربخشی آینده‌های بدیل و سناریوهای آینده است. این آینده حتمی، جامعه مطلوب مهدوی است که در آن، دین حقیقی و حقیقت اسلامی تجلی خواهد یافت. این مهم وابسته است به وجود حجت خدا (عج) که واسطه‌ی فیض الهی است. آینده‌پژوهان اسلامی امیدوارند که او هر چه زودتر ظهور یابد تا جهان سرشار از عدالت و معنویت گردد. برپایی این آینده با شکوه و

۱ - سوره نجم، آیه ۲۸، (به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است) بر اساس این آیه، مؤمنان واقعی که دارای روحی آرام‌یافته هستند در پرتو ایمان و یاد خدا به چنان آرامشی دست می‌یابند که به هر آن چه خداوند می‌خواهد، رضایت می‌دهند و خود را بنده‌ای می‌بینند که صاحب هیچ نفع و ضرری برای خود نیستند. آنان دنیا را یک زندگی مجازی و مقدمه‌ی زندگی بسیار ارزشمندتری می‌دانند (...). و از راه راست منحرف نمی‌شوند [۳۰].

۲ - سوره رعد، آیه ۱۱، (... خداوند سرنوشت هیچ قومی (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است را تغییر دهند و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (به خاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا سرپرستی نخواهند داشت) در آیات بسیاری از قرآن مانند این آیه، این حقیقت را بیان می‌کند که اعمال نیک و بد انسان بر زندگی او تأثیر مستقیم دارد [۳۱]. این آیه، یکی از اصول اجتماعی اسلام را نیز چنین بیان می‌کند که مهم‌ترین اصل در پیروزی و شکست و خوشبختی و بدبخت یک جامعه، مردم خود آن جامعه هستند و عوامل بیرونی در مراحل بعدی قرار دارند [۳۲].

۳ - سوره عصر، آیه، (مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند). قرآن بیان می‌کند که بخشی از این زندگی جاویدان که زندگی دنیوی است، زندگی آزمایشی است که کیفیت زندگی دیگر را که حیات جاویدان انسان است، مشخص می‌کند. زندگی دنیوی، مقدمه‌ای است که سعادت یا شقاوت ابدی انسان با اختیار خودش در آن زخم می‌خورد. اصلی‌ترین سرمایه انسان برای به دست آوردن خوشبختی حقیقی، همین زندگی دنیوی اوست [۳۳]. بهای رسیدن به این سرمایه، فقط و فقط رضای خدا و مقام قرب الهی است. قرآن یک برنامه چهار ماده‌ای ارایه کرده که می‌تواند جلوی زیان بزرگ را گرفته و سرمایه‌ی عمر را به منفعت و سود عظیمی مبدل کند. این برنامه که تنها راه نجات و رسیدن به مقام قرب الهی می‌باشد، از این قرار است:

۱. ایمان که زیربنای همه‌ی فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد.

۲. اعمال صالح که به منزله‌ی میوه درخت ایمان است.

۳. سفارش یکدیگر به حق.

۴. سفارش یکدیگر به صبر و شکیبایی

اگر مسلمانان به راستی به این اصول چهارگانه عمل کنند، در اندک زمانی مشکلاتشان حل می‌شود و شکست‌هایشان به پیروزی مبدل می‌شود [۳۴].

الهام‌بخش در جهان، بسیاری از مشکلات امروز بشر را از بین می‌برد و شرایطی مطلوب بر جهان حاکم می‌شود و شرک و پلیدی از روی زمین ریشه‌کن می‌شوند.^۱ انتظار در فرهنگ آینده‌پژوهی اسلامی جایگاهی ویژه دارد، انتظار برای جهانی کامل و بی‌عیب که با دستان مبارک حضرت حجت (عج) برپا می‌شود. بنابراین کمال‌گرایی و آرمان‌گرایی در آینده‌پژوهی اسلامی موج می‌زند.

ب. حرکت بر اساس چشم‌انداز اخروی

یکی از ماموریت‌های مهم آینده‌پژوهی اسلامی، تحلیل و معماری رستاخیزی است که در پایان تاریخ بشر روی خواهد داد. آینده‌پژوهی رایج، برنامه بشری و اجرای صحیح آن را دنبال می‌کند. اما آینده‌پژوهی اسلامی آخرت را مد نظر دارد و با عنایت به آن ممکن است برنامه‌ی خود را تغییر دهد. چرا که هدف طراحی و تحقق چشم‌انداز اخروی است. و چشم‌اندازهای فردی، سازمانی، ملی و امتی باید در راستای چشم‌انداز اخروی باشد. آینده‌پژوهان اسلامی هیچ ترس و اندوهی از آینده ندارند و تنها راه نجات در رستاخیز را ایمان و عمل صالح می‌دانند و معتقدند هر آیینی نمی‌تواند در این مسیر کارساز باشد.^۲

پ. تلاش در جهت کسب روزی تعیین‌شده

از دیدگاه اسلامی روزی به معنی عطا و بخشش مستمر است، و از آنجا که روزی الهی عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می‌شود. این نکته نیز لازم به توجه است که مفهوم آن، تنها در پول و با حتما نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود بلکه هر گونه عطای مادی و معنوی را شامل می‌شود (به عنوان مثال می‌توان به این دو اشاره داشت: "خداوند علم کامل به من روزی کن" و یا "خداوند شهادت در راهت را نصیب من بگردان").^۳ آینده‌پژوهی رایج به هیچ حد و مرزی برای کسب درآمد و یا هر منفعت مادی دیگری اعتقاد ندارد. از دیدگاه اسلام روزی هر فرد و جامعه‌ای در نزد خداوند معین شده است. انسان‌ها و حتا دیگر موجودات در هر شرایطی از روزی تعیین‌شده بهره‌مند می‌شوند.^۴ آینده‌پژوهان سکولار گمان می‌کنند که بر اساس تلاش و برنامه‌ریزی می‌توانند منافع بیشتری را به دست آورند. اما از منظر آینده‌پژوهی اسلامی، روزی تعیین شده است و باید برای کسب این روزی تلاش کرد. در این جا توجه به دو نکته ضروری است:

۱- سوره انفال، آیه ۳۹، (و با آن‌ها پیکار کنید، تا فتنه [=شرک و سلب آزادی] برچیده شود و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد و اگر آن‌ها (از راه شرک و فساد بازگردند و از اعمال نادرست) خودداری کنند، (خداوند آن‌ها را می‌پذیرد) خدا به آن چه انجام می‌دهند بیناست.) از امام صادق (ع) در ذیل این آیه نقل شده است: "تاویل و تفسیر نهایی این آیه هنوز فرا نرسیده است و هنگامی که قائم ما قیام کند، کسانی که زمان او را درک کنند، تاویل این آیه را خواهند دید. به خدا سوگند، دین محمد (ص) به جایی خواهد رسید که شی برسد و مشرکی بر روی زمین نباشد." [۳۵].

۲- سوره بقره، آیه ۶۲ (کسانی که (به پیامبر) ایمان آورده‌اند و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصاری و صائبان هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آن‌ها نیست.) در تفسیر این آیه آمده است که ایمان ظاهری مخصوصا بدون انجام عمل صالح، چه از مسلمانان باشد و چه از یهود و نصاری و پیروان ادیان دیگر بی ارزش است، تنها ایمان واقعی و خالص به خدا و دادگاه بزرگ قیامت که با کار نیک و عمل صالح و توأم باشد در پیشگاه خدا ارزش دارد، تنها این برنامه موجب پاداش و جلب آرامش و امنیت می‌گردد [۳۶].

۳- سوره هود، آیه ۶ (هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خدا است؛ او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه این‌ها در کتاب آشکگاری ثبت است.) آیات قرآن کریم (مثل این آیه) و روایات اسلامی به انسان‌های حریص و دنیاپرست توصیه می‌کنند که بیهود دست و پا نزنند و از طریق نامعقول و نامشروع برای تهیه‌ی روزی تلاش نکنند، بلکه از راه مشروع فعالیت کنند و مطمئن باشند که خداوند نیازمندی‌های آن‌ها را تامین می‌کند [۳۷].

- پایه‌ی هر گونه سود مادی و معنوی انسان، کار و تلاش است. پیشوایان اسلامی در بسیاری موارد کارهای سخت و توان‌فرسا انجام می‌دادند که الگویی برای دیگران باشند و روزی خود را از طریق کار و تلاش خود به دست آورند.^۱

- درآمد بالاتر به منزله‌ی روزی بیشتر نیست. برخی بر این باور هستند که هر کس درآمد و سرمایه بیشتری داشته باشد روزی آن افزون‌تر است. اما باید تاکید داشت که آن چه انسان‌ها (چه مادی و چه معنوی) بهره می‌برد، روزی است و چه بسا فردی دارای پول سرشاری باشد اما از آن، استفاده‌ای نبرد. پس آن پول، روزی او نبوده است. پس هر آن چه که انسان برای کمال خویش به آن نیاز داشته باشد، روزی است.

در آینده‌پژوهی اسلامی، تلاش و کوشش در راستای کسب روزی حلال مورد تایید است اما فعالیت‌های نامشروع و تلاش برای فراتر از آن چه روزی تعیین شده باشد، کاملاً مردود است. روزی نیز فقط ثروت مادی نیست و چیزهایی مانند عقل کامل، علم سودمند، مال فراوان و حلال، شخصیت والا، فرزند صالح، ایمان ثابت، خیر دنیا و آخرت، زندگی پاکیزه، شفاعت، حج خانه خدا، زیارت قبور معصومین (ع)، دفن شدن در کنار مزار ایشان و محشور شدن با آن‌ها به عنوان رزق از خدا طلب شده است.

ت. سازگار ساختن مطلوبیت‌های آینده با اسلام

از منظر آینده‌پژوهی رایج، مطلوبیت چیزی که اکثر مردم و یا صاحب‌نظران آن را پذیرفته باشند. به عنوان مثال اگر اکثر مردم جنگ و کشتار را مطلوب بدانند، پس جایز است و باید برای رسیدن به آن هر کاری را انجام داد. اما از منظر آینده‌پژوهی اسلامی این گونه نیست و تمام مطلوبیت‌ها با اسلام سنجیده می‌شود. البته مراجعه به آرای مردم و صاحب‌نظران در آینده‌پژوهی اسلامی نیز انجام می‌شود اما به تنهایی کافی نیست و باید از آموزه‌های اسلامی برای درستی آن بهره جست، چون عقل بشر به تنهایی نمی‌تواند مطلوبیت‌ها را تعیین کند و بهترین راه برای پاسخ‌گویی به مسایل مختلف زندگی انسان‌ها بهره‌گیری از اسلام است.^۲

در آینده‌پژوهی اسلامی مطلوبیت، خیر انسان است و نامطلوبیت شر آن، برای تشخیص آینده مطلوب فقط به علم محدود بشری بسنده نمی‌کند و می‌کوشد از علم بی‌پایان الهی نیز استفاده کند. آینده‌پژوهان اسلامی بر

۱ - در اصول کافی از امام صادق (ع) روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) بارها می‌فرمود: بدانید و به یقین بدانید که خدای عز و جل به هیچ بنده‌ای هر قدر هم تلاشگر باشد و هر قدر زرنگی و چاره‌اندیشی او عظیم باشد و بسیار حيله‌گر و نیرنگ‌باز باشد، اجازه نمی‌دهد از مقدراتی که او در ذکر حکیم برایش تقدیر کرده پیشی گرفته و آن مقدرات را تغییر دهد. ایها الناس! هیچ انسانی به علت مهارتش نمی‌تواند پیشیزی از آنچه برایش مقدر شده، زیادتیر به دست آورد و هیچ انسانی به علت حماقت و کودنی‌اش پیشیزی از آنچه برایش مقدر شده، کمتر نمی‌گیرد.

۲ - سوره بقره، آیه ۲۱۶، (... چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آن که شر شما در آن است. و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.) خداوند در این آیه به طور قاطع می‌فرماید که انسان‌ها نباید تابع کلی برداشت‌های خود از خوب و بد دنیا شوند؛ زیرا علم آن‌ها از هر نظر محدود و ناچیز است. انسان‌ها همان گونه که در قوانین تکوینی خداوند، از اسرار آفرینش همه اشیا با خبر نیستند و گاه چیز پرخاصیتی را بی‌خاصیت می‌شمرند. در قوانین تشریحی نیز بسیاری از مصالح و مفاسد را نمی‌دانند از این رو ممکن است چیزی را ناخوشایند دارند؛ در حالی که سعادت آن‌ها در آن است. یا از چیزی خشنود باشند در حالی که بدبختی آن‌ها در آن است [۳۸].

این باور هستند که انسان نمی‌تواند بدون مراجعه به آموزه‌های اسلامی، مطلوبیت و نامطلوبیت‌های آینده را مشخص سازد.

۶- برخی از مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی

آینده‌پژوهان برای پیشبرد امور خود مفروضاتی را برای این دانش تعیین کرده‌اند. این مفروضات هم برای درک مقصود آینده‌پژوهان و هم انجام دادن مطالعات آینده‌پژوهی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند. این مفروضات (کلیدی^۱، عام^۲ و کمکی^۳) فضایی را ترسیم می‌کنند که آینده‌پژوهان با پذیرش آن‌ها، فعالیت می‌کنند [۳۹]. آینده‌پژوهی اسلامی و آینده‌پژوهی سکولار در برخی از مفروضات مشترک هستند اما برخی از مفروضات آینده‌پژوهی سکولار مانند عدم در نظر گرفتن اراده‌ای جز اراده بشر در پدید آمدن آینده، توسط آینده‌پژوهی اسلامی پذیرفته نمی‌شود. آینده‌پژوهی اسلامی نیز دارای مفروضاتی است که توسط آینده‌پژوهی سکولار ارایه نشده است. برخی از این مفروضات از این قرار هستند:

الف. اراده الهی بالاترین عامل ساخت آینده است.

در آینده‌پژوهی اسلامی، جامعه‌ای مطلوب است که در هر اقدامی، نظریه‌ای، اندیشه‌ای و ... خدا را ناظر خود ببیند. در چنین جامعه‌ای کوچک‌ترین حرکتی در راستای اراده‌ی الهی دیده می‌شود. آینده‌پژوهان اسلامی بر این باور هستند که برپایی آینده‌ای مطلوب برای جامعه نیازمند قرار گرفتن در مسیر حق و جلوگیری از بروز انحرافات در آن است. برای این مهم باید توجه داشت که جهان محضر خداوند متعال است. کسی که عالم را محضر خدا می‌داند از هر گونه گناه و بدی دوری می‌جوید^۴. این در حالی است که آینده‌پژوهی رایج بر این باور است آینده از پیش تعیین شده نیست و امکان تغییر آن وجود دارد [۴۰] تمامی علوم و فناوری‌های رایج (از جمله آینده‌پژوهی) تنها به عوامل فیزیکی و اجتماعی تکیه می‌کنند. اما از منظر آینده‌پژوهی اسلامی این گونه نیست و عوامل دیگری نیز بر جهان هستی تاثیرگذار هستند. اما از دید اسلام این عوامل چه چیزهایی هستند؟

۱- Key
۲- General
۳- Auxiliary

۴- سوره یونس، آیه ۶۱ (در هیچ حال (و اندیشه‌ای) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی و هیچ عملی را انجام نمی‌دهی، مگر این که ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می‌شوید و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند؛ حتا به اندازه سنگینی ذره‌ای؛ و نه کوچکتر و نه بزرگتر از آن نیست، مگر اینکه (همه آن‌ها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.) نه تنها ذات پاک خدا بلکه فرشتگان او نیز مراقب ما هستند و ما را با تمام توجه می‌نگرند. کوچک‌ترین حرکتی در پهنه‌ی آسمان و زمین، از دیدگاه علم او مخفی و پنهان نمی‌ماند؛ بلکه همه‌ی آن‌ها در لوحی که محفوظ است و اشتباه و غلط و دگرگونی در آن راه ندارد، ثبت می‌شوند؛ در صفحه‌ی علم بی‌پایان خدا؛ در اندیشه‌ی فرشتگان مقرب و نویسندگان اعمال انسان‌ها؛ پرونده و نامه اعمال همه ما [۴۱].

تقوی بر اساس قرآن کریم، کوشیده است به این پرسش پاسخ گوید. بر اساس دیدگاه او، در قرآن کریم به عواملی اشاره شده که دیده نمی‌شوند^۱ و خارج از شعور برخی انسان‌ها هستند^۲ اما تاثیرگذارند. این عوامل ممکن است تجلی فیزیکی داشته باشند، مانند مرغان سنگ به دندان^۳ و باد^۴، ممکن است تجلی اجتماعی داشته باشد، مانند نزول سکینه (آرامش) بر مؤمنان^۵ و ظهور ترس در دل کافران^۶، ممکن است در قالب کودکی هویدا شوند، مانند مدد حضرت عیسی (ع) به مادرش^۷، ممکن است در قالب الهامی درآیند، مانند الهام خدا به مادر موسی (ع)^۸ و در نهایت ممکن است به دیده نیابند، مانند یاری لشگریانی که در جنگ حضور دارند اما دیده نمی‌شوند^۹. این عوامل الهی، با اراده‌ی خدا در کار می‌آیند و مؤمنان می‌توانند با خواندن خدا^{۱۰} و پرهیزگاری^{۱۱}، به شرط اراده‌ی الهی، از آن‌ها بهره‌مند شوند [۴۲].

ب. افزون بر جهان مادی، جهان غیب نیز وجود دارد.

یکی از ویژگی‌های مهم آینده‌پژوهی سکولار تکیه بر عالم شهود است. در نگاه آینده‌پژوهان سکولار، هر آن چه توسط انسان قابل مشاهده و درک است مبنای کار قرار می‌گیرد و آینده‌پژوهی رایج به چیزی فراتر از آن اهمیتی نمی‌دهد. اما یکی از مفروضات کلیدی آینده‌پژوهی اسلامی آن است که عالم غیب، جهان شهادت را در بر گرفته است. در آینده‌پژوهی اسلامی، عواملی در جهان غیب وجود دارند که قابل تصور و درک نیستند اما بر جهان مادی اثرگذار هستند.

غیب و شهود، دو نقطه‌ی مقابل یکدیگرند، عالم شهود، عالم محسوسات، و جهان غیب، فرای حس است، زیرا غیب در اصل به معنی چیزی است که پوشیده و پنهان است و چون عالم فرا محسوسات از حس ما پوشیده است به آن غیب گفته می‌شود. عالم شهود محدود است اما عالم غیب لایتناهی است^{۱۲}. ایمان به

۱ - سوره توبه، آیه ۲۶، (... لشکرهایی فرستاد که شما نمی‌دیدید ...) و سوره توبه، آیه ۴۰، (... در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد و با لشکرهایی که مشاهده نمی‌کردید، او را تقویت نمود و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد ...) و سوره احزاب، آیه ۹، (... لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید ...).

۲ - سوره نحل، آیه ۲۶، (کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) از این توطئه‌ها داشتند ولی خداوند به سراغ شالوده (زندگی) آنها رفت و آن را از اساس ویران کرد و سقف از بالا بر سرشان فرو ریخت و عذاب (الهی) از آن جایی که نمی‌دانستند به سراغشان آمد) و سوره نحل، آیه ۴۵، (ایا توطئه‌گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آن‌ها را در زمین فروربرد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟) و سوره زمر، آیه ۲۵، (... عذاب (الهی) از جایی که فکر نمی‌کردند به سراغشان آمد).

۳ - سوره فیل، آیه‌های ۳ و ۴، (و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد، که با سنگهای کوچکی آنان را هدف قرار می‌دادند).

۴ - سوره احزاب، آیه ۹، (... در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم ...).

۵ - سوره توبه، آیه ۲۶، (سپس خداوند "سکینه" خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد ...).

۶ - سوره آل عمران، آیه ۱۵۱، (به زودی در دل‌های کافران، بخاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم ...).

۷ - سوره مریم، آیه‌های ۲۹ و ۳۰، (مریم) به او اشاره کرد گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟! (ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: "من بنده خدایم او کتاب (آسمانی) به من داده و مرا پیامبر قرار داده است".

۸ - سوره قصص، آیه ۷، (ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن و ترس و غمگین مباش، که ما او را به تو بازمی‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم).

۹ - سوره انفال، آیه ۹، (... من شما را با یک هزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم).

۱۰ - سوره غافر، آیه ۶۰، (... مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم ...).

۱۱ - سوره طلاق، آیه، (... هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند ...) و آیه ۴، (... هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می‌سازد) و سوره حج، آیه ۴۰، (خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند) و ...

۱۲ - سوره حشر، آیه ۲۲، (خداوندی که به غیب و شهود، پنهان و آشکار دانا است و او است خداوند بخشنده و رحیم).

غیب درست نخستین نقطه‌ای است که مؤمنان را از غیر آن‌ها جدا می‌سازد و پیروان ادیان آسمانی را در برابر منکران خدا و وحی و قیامت قرار می‌دهد و به همین دلیل نخستین ویژگی پرهیزگاران ایمان به غیب است.^۱ نکته بعدی آن است که عالم شهود برای افراد مختلف، یکسان نیست. آن چه برای پیامبر (و یا معصومین و اولیای خدا) قابل شهود است ممکن است برای دیگران غیب باشد.

حال پرسشی مطرح می‌شود که چه کسانی از غیب آگاهی دارند؟ درباره‌ی غیب و اموری مانند آن، در قرآن کریم به دو دسته از آیات که در نگاه نخست با هم تفاوت دارند، برخورد می‌کنیم. دسته‌ی یکم، آیاتی هستند که هر گونه علم و قدرت غیبی را ویژه‌ی خداوند می‌داند^۲ و از دیگر افراد نفی می‌کند؛ اما آیات دسته‌ی دوم، برای غیر خدا (مانند برخی فرشتگان، پیامبران و اولیای خدا) نیز علم و قدرت غیبی قائل است.^۳ با تدبر در آیات قرآن و روایات روشن می‌شود که آن چه که خداوند مخصوص خودش می‌داند، علم و قدرت غیبی ذاتی و استقلالی است. یعنی هیچ کس جز خدا، بدون عنایت او، علم یا قدرت غیبی ندارد؛ اما اگر خداوند به کسی علم یا قدرت غیبی عنایت کند، آن شخص نیز با اذن خداوند دارای علم غیب یا قدرت فوق‌العاده‌ای خواهد شد [۴۴].

ب. وعده خدا حق است و تردیدی در تحقق آن وجود ندارد

بر اساس قرآن کریم و روایات معصومین (ع) روشن می‌شود که خداوند به انسان وعده‌هایی داده است. این وعده‌ها هم برای این جهان است و هم جهان آخرت؛ آینده‌پژوه اسلامی باور دارد که این وعده‌ها آمیخته به باطل نیست و تردیدی در تحقق آن وجود ندارد و هیچ مانعی نمی‌تواند از وقوع آن جلوگیری کند.^۴ بنابراین وعده‌های الهی، اساسی‌ترین عواملی هستند که در آینده‌پژوهی می‌توان به آن‌ها تکیه کرد.

آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنجا که مملوک خدای یگانه بی شریک است خدای تعالی می‌تواند هر نوع تصرفی که فرض شود در آن بنماید و هر تصرفی در آن‌ها به خدای تعالی منتهی می‌شود، و غیر از خدا هیچ کسی سهمی از این مالکیت ندارد، و در نتیجه جز به اذن او، هیچ تصرفی در آن نمی‌توان کرد پس اگر غیر از

۱- سوره بقره، آیه ۳، ((پرهیزگاران) کسانی هستند که به غیب [آن چه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند ...) در تفسیر آیه آمده است که مؤمنان مرز جهان ماده را شکافته، و خویش را از چهار دیواری آن گذرانده‌اند، آنها با این دید وسیع با جهان فوق‌العاده بزرگتری ارتباط دارند در حالی که مخالفان آن‌ها اصرار دارند، انسان را همچون حیوانات در چهار دیواری جهان ماده محدود کنند، و این سیر قهقراپی را تمدن و پیشرفت و ترقی نام می‌نهند. در مقایسه "درک و دید" این دو، به اینجا می‌رسیم که "مؤمنان به غیب" عقیده دارند، جهان هستی از آنچه ما با حس خود درک می‌کنیم بسیار بزرگتر و وسیع‌تر است، سازنده این عالم آفرینش، علم و قدرتی بی‌انتهای، و عظمت و ادراکی بی‌نهایت دارد، او ازلی و ابدی است. و عالم را طبق یک نقشه بسیار حساب شده و دقیق پی‌ریزی کرده، در جهان انسان‌ها، روح انسانی فاصله زیادی میان آنان و حیوانات ایجاد کرده، مرگ به معنی فنا و نابودی نیست، بلکه یکی از مراحل تکاملی انسان و درجه‌ای است به جهان وسیع‌تر و پهناورتر [۴۳].

۲- برای نمونه می‌توان به سوره هود، آیه ۳۱ (من هرگز به شما نمی‌گویم خزاین الهی نزد من است؛ و غیب هم نمی‌دانم؛ ...) اشاره کرد.

۳- به عنوان مثال قرآن کریم در آیه‌ی ۴۴ سوره نجم، می‌فرماید: "و اوست که میراند و زنده کرد" اما در آیه‌ی ۴۹ سوره آل عمران از قول حضرت عیسی (ع) آمده است: "... و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم ...". در آیه‌های ۲۶ و ۲۷ سوره جن نیز می‌فرماید: "دانای غیب اوست و هیچ کس بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد. مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آن‌ها قرار می‌دهد"

۴ سوره یونس، آیه ۵۵ (آگاه باشید که آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداوند است، آگاه باشید وعده‌ی خدا حق است، اما بیشتر آنان نمی‌دانند).

خدای تعالی کسی تصرف در چیزی کرد تصرف او فقط مستند به اراده خدای تعالی است، یعنی هیچ چیز دیگری که خارج از ذات مقدس او باشد نمی‌تواند در ذات و اراده او تصرف و از اراده او فعل او جلوگیری نماید. پس، هر گاه خدای سبحان اراده‌ای کند آن را به کرسی می‌نشانند و انجام می‌دهد، بدون اینکه مددکاری او را کمک کند و یا مانعی از کارش و انفاذ اراده‌اش جلوگیری کند، و چون وعده‌ای دهد وعده‌اش حق است و تخلف ندارد، و هیچ منصرف کننده‌ای نیست که او را وادار سازد به اینکه وعده‌اش را تغییر دهد [۴۵].

ت. هدایت خداوند مهم‌ترین عامل آینده‌سازی است.

از منظر آینده‌پژوهی اسلامی، تمامی چشم‌اندازها می‌بایست در راستای چشم‌انداز آرمانی بشر باشد که همانا سعادت و مقام قرب الهی است. آینده‌پژوهان اسلامی هر چشم‌انداز و یاسناریویی را باید با این چشم‌انداز الهی می‌سنجند. اسلام تنها یک مسیر (راه راست^۱) را برای تحقق این چشم‌انداز مشخص کرده است و تنها کسانی می‌توانند در این مسیر گام بردارند که هدایت شده باشند^۲. در این هدایت هیچ گمراهی و تباهی وجود ندارد. بنابراین برای ساختن آینده‌های مطلوب بشری، باید افراد جامعه هدایت شوند اما توجه به این نکته ضروری است که تنها خداوند می‌تواند انسان را هدایت کند^۳ و خداوند تنها کسانی که ایمان آورده و از شرک دوری می‌جویند را هدایت کرده^۴ و رستگار می‌کند (به چشم‌انداز آرمانی می‌رساند)^۵. پس هدایت خداوند مهم‌ترین عامل ساختن آینده و تحقق آینده‌های مطلوب انسان و جامعه به شمار می‌آید. آینده‌پژوهان اسلامی ایمان و عمل به تکالیف دینی را مهم‌ترین راه برای هدایت از سوی خدا می‌دانند^۶.

آینده‌پژوهی سکولار تاکید ویژه‌ای بر تامین و بهبود رفاه بشر دارد. و هر گونه سختی و دشواری، نامطلوب است. اما در آینده‌پژوهی اسلامی، برای رسیدن به آینده مطلوب (سعادت جاودان) گاه انسان در سختی‌ها و مشکلات قرار می‌گیرد. بر اساس دیدگاه اسلام، نصرت و یاری خداوند نیازمند آن است که انسان در مسیر بلا و سختی، تلاش و کوشش کند تا حقیقت ایمان او آشکار شود و توانایی‌های خود را شکوفا کند^۷. در روایاتی از از معصومین (ع) آمده است که بلا و سختی مانند نعمتی است که خدا به بنده مؤمنش می‌دهد؛ زیرا هر چه

۱ - راه راست، یعنی راه روشن و وسیع و همواری که به هیچ طرف انحراف ندارد.

۲ - سوره حمد، آیه، (ما را به راه راست هدایت کن). مراد از راه راست، همان آیین خداپرستی و دین حق و پایند بودن به دستورهای خدا است. اگر در روایاتی، راه راست به قرآن و در روایاتی دیگر به اهل بیت (ع) تفسیر شده، بدین دلیل است که تنها برنامه‌ای که انسان را به سعادت ابدی می‌رساند و ذره‌ای اشتباه در آن راه ندارد، برنامه‌ای است که خداوند از طریق قرآن و معصومین (ع) بیان کرده است [۴۶].

۳ - سوره انعام، آیه ۷۱، (... تنها هدایت خداوند، هدایت است و ما دستور داریم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم).

۴ - سوره انعام، آیه ۸۲، (آن‌ها که ایمان آورند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن‌ها است و آن‌ها هدایت یافتگانند).

۵ - سوره بقره، آیه ۵، (آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند؛ و آنان رستگارانند).

۶ - سوره انعام، آیه ۱۶۱، (بگو، پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده، [به] آیینی پابرجا (و ضامن سعادت دین و دنیا ...)).

۷ - سوره بقره، آیه ۲۱۴، (ایا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی آن که حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها به آن‌ها رسید و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که با او ایمان آورده بودند گفتند: "پس یاری خدا کی خواهد بود؟" (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند و به آن‌ها گفته شد: آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است) این آیه پس از جنگ احد که مسلمانان شکست خوردند نازل شده است. برخی از مؤمنان می‌پنداشتند عامل اصلی ورد به بهشت، تنها اظهار ایمان به خدا است و به دنبال آن نباید ناراحتی و رنجی را متحمل شوند و بدون تلاش و کوشش، خداوند همه‌ی کارها را اصلاح و دشمنان را نابود خواهد کرد. قرآن این تفکر را نادرست می‌داند [۴۷].

سختی و گرفتاری مؤمن بیشتر باشد، توکل و تضرع او به خدا بیشتر می‌گردد و او به خدا نزدیک‌تر می‌شود. [۴۸].

ث. تحقق چشم‌انداز از آن خدا است و می‌تواند فراتر از تصور انسان باشد.

آینده‌پژوهی رایج چشم‌انداز را مطلوب‌ترین آینده ممکن از دید فرد، سازمان و جامعه می‌داند و بر این باور است که آن چه در عمل رخ می‌دهد در بهترین حالت‌ها و شرایط، تحقق چشم‌انداز و بهتر از آن غیر ممکن است که رخ دهد. حتماً گفته می‌شود که اگر چنین چیزی اتفاق افتد، چشم‌انداز نادرست ترسیم شده است. همچنین در آینده‌پژوهی رایج هدف، رسیدن به نتیجه (آینده مطلوب) است.

در آینده‌پژوهی اسلامی، عمل به تکلیف از رسیدن به نتیجه مهم‌تر است. آینده‌پژوهان اسلامی بر اساس اسلام می‌کوشند که تکلیف فرد، سازمان و جامعه را مشخص سازند چرا که نتیجه از آن خدا است و عمل به تکلیف، سرانجامی جز نیکی به همراه ندارد^۱. به عنوان مثال، از منظر آینده‌پژوهی، جهاد تکلیف است و نتیجه هر چه باشد (پیروزی یا شهادت) مطلوب است^۲.

آینده‌پژوهی رایج چشم‌انداز را با محاسبه عوامل و مؤلفه‌های تاثیرگذار ترسیم می‌کند. بنابراین نمی‌تواند فراتر از انتظار (رؤیایی‌ترین تصویر قابل تحقق) باشد. اما در آینده‌پژوهی اسلامی، آینده ممکن است فراتر از تصور انسان باشد چرا که خداوند روزی را به انسان، بی‌حساب و کتاب می‌دهد و چه بسا آینده برتر از چشم‌انداز ترسیم‌شده باشد^۳ و حتماً وعده داده است که در برابر برخی کارها، پاداشی عطا می‌کند که هیچ‌کسی از آن آگاه آگاه نیست^۴.

۱ - سوره توبه، آیه ۵۲، (بگو آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (پیروزی یا شهادت) اما ما انتظار داریم که خداوند، عذایی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می‌کشیم).

۲ - سوره توبه، آیه ۱۱۱، (... در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده‌ی حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کردید؛ و این است آن پیروزی بزرگ) خداوند در این آیه، خود را خریدار و مؤمنان را فروشنده و جان‌ها و اموال آن‌ها را کالا و بهشت را بها و تورات و انجیل و قرآن را سند این معامله قرار داده است. خداوندی که مالک همه عالم هستی و حاکم مطلق بر تمام جهان آفرینش است و هر کس هر چه دارد، از او است، در مقام خریداری همین مواهبی که به بندگان بخشیده، بر می‌آید و عطاهای خود را به بهایی صدچندان می‌خرد. آیا معاملهای پرسودتر وجود دارد؟! [۴۹].

۳ - سوره نور، آیه ۳۸، (خداوند به هر کس بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد (و از مواهب بی‌انتهای خویش بهره‌مند می‌سازد). در تفسیر این آیه آمده است که منظور آن است خداوند تمام اعمال آن‌ها را بر معیار و مقیاس بهترین اعمالشان پاداش می‌دهد، حتی اعمال کم‌اهمیت و متوسطشان هم‌ردیف بهترین اعمالشان در پاداش خواهد بود! و این از فضل خداوند دور نیست، چرا که در مقام عدالت و مجازات برابری ضروری است، اما هنگامی که به مقام فضل و کرم می‌رسد، مواهب و بخشش‌ها بی‌حساب است، چرا که ذات پاکش نامحدود است، و " نعمتش نامتناهی کرمش بی‌پایان " [۵۱].

۴ - سوره سجده، آیه ۱۷، (هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمی که مایه‌ی روشنی چشم‌ها است برای آن‌ها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دهند) در تفسیر این آیه آمده است که در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که خدا می‌فرماید: " برای بندگان صالحم نعمتهایی فراهم کرده‌ام که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر فکر کسی نگذاشته است " [۵۲]. در روایتی دیگر از امام صادق (ع) نقل شده است: هیچ کار خوبی نیست مگر آن که در قرآن پاداشی مشخص بیان شده؛ مگر نماز شب که خداوند -که نامش گرمای باد- پاداش آن را به خاطر عظمت منزلت آن روشن نکرده است. " البته در روایات به اعمال دیگری نیز اشاره شده است که پاداش آن را جز خدا نمی‌داند. [۵۳]

ج. اراده بشر در طول اراده الهی است.

یکی از مفروضات کلیدی آینده‌پژوهی رایج آن است که آینده از پیش تعیین شده نیست و توسط اراده بشر ساخته می‌شود. و اختیار انسان، مهم‌ترین عامل برپایی آینده است [۵۰]. در آینده‌پژوهی رایج اثری از اراده الهی یافت نمی‌شود. در صورتی که از دیدگاه اسلام، اراده بشر در طول اراده خدا است و هیچ چیزی جز با اذن او رخ نمی‌دهد و حتا برخی از امور جهان تنها و تنها با اراده‌ی الهی صورت می‌گیرند، چون فقط خدا است که به اسرار غیب احاطه دارد.^۱

در آینده‌پژوهی اسلامی، هم در مقام توصیف و هم در مقام تجویز، اراده الهی فوق اراده بشر و عوامل و پیشران‌های تاثیرگذار بر آینده، دیده می‌شود. آینده‌پژوهان اسلامی می‌کوشند که تمامی دستاوردهای خود را به این مفروض کلیدی استوار سازند و پیامدهای حاصل از آن را ناشی از لطف و مرحمت خداوند می‌دانند.

چ. دین مبین اسلام، تضمین‌کننده برپایی آینده مطلوب است.

بر اساس آموزه‌های قرآنی، دین‌داری و مذهب، پیش از آن که زندگی پس از مرگ را بسازد، آبادکننده‌ی زندگی دنیوی است.^۲ از منظر اسلام چهار اصل اساسی برای آبادانی زندگی انسان‌ها (برپایی آینده‌ای مطلوب) وجود دارد:

- توحید؛
- پذیرش رهبری پیامبران؛
- پاک‌سازی محیط از گناه؛ و
- بازگشت به ارزش‌های الهی و آراستگی به آن [۵۴].

بر این اساس، جهان‌بینی اسلامی و عمل به آموزه‌های دین مبین اسلام بهترین بستر برای تحقق مطلوبیت زندگی دنیا است. آینده‌پژوهی سکولار دین را نادیده می‌گیرد، اما آینده‌پژوهی اسلامی می‌کوشد، حداکثر بهره را از آموزه‌های دینی ببرد تا افزون بر جهان آخرت، زندگی دنیوی بشر را نیز به وضع مطلوبی برساند. برقراری

۱ - سوره انعام، آیه ۵۹، (کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او کسی نمی‌داند. او آن چه را در خشکی و دریا است، می‌داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر این که از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز این که در کتابی آشکار [در کتاب علم خدا] ثبت است).

۲ - سوره هود، آیه (و این که از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس به سوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدت معینی، (از مواهب زندگی این جهان) به خوبی بهره‌مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد ...). در صورت عمل به دستورهای خداوند در این آیه، خداوند به کسی که در ویژگی‌ها و صفات پسندیده و تلاش و کوشش بر دیگران فضیلت دارد، به همان مقدار فضیلتش اجر و مزد و سعادت و خوشبختی و توفیق عنایت می‌کند و بدین ترتیب، هر کسی که در خصوصیتی فضیلت و امتیاز دارد، به خوبی می‌تواند از آن استفاده کند و به رتبه و درجه‌ی مناسب خود در دنیا و آخرت نایل شود. این حقیقتی است که تنها در سایه‌ی توحید و ایمان به خدا وجود دارد؛ چون خداوند عادل است و حق هیچ کسی را ضایع نمی‌کند. در جوامع بشری که از توحید و ایمان به خدا عاری هستند - هر چند که در ظاهر پیشرفته و مترقی باشند - این مطلب به چشم‌نمی‌خورد، چون همواره در جامعه‌هایی که انسان‌ها بدون توجه به خدا زندگی می‌کنند، مردم به دو گروه مستکبر و مستضعف تقسیم می‌شوند و تمام امتیازات به گروه مستکبر و مستضعف تقسیم می‌شوند و تمام امتیازات به گروه مستکبر و زیاده‌خواه داده می‌شود و گروه مستضعف اگر چه دارای فضیلت و لایق خوشبختی باشد، همواره در بدبختی و ناملایمات دست و پا می‌زند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۰، ۲۱۱)

عدالت، گسترش معنویت و دوری از گناه و فساد، آموزه‌های مورد تاکید اسلام هستند، که بدون شک تحقق آنان، موجب پیشرفت و رشد کیفی زندگی اجتماعی و تعالی انسان می‌شود.

۷- نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد بر اساس منابع اسلامی (به طور ویژه قرآن کریم) برخی از اهداف و مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی ارایه شوند تا با ترسیم وجوهی از آینده‌پژوهی اسلامی، مسیر تحقق آن جهت‌دهی شود. بررسی این گزاره‌ها نشان از آن دارد که آینده‌پژوهی اسلامی با آینده‌پژوهی رایج اشتراکاتی دارد اما نقاط تمرکز و اولویت‌ها آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. آینده‌پژوهی اسلامی به عنوان نسخه‌ی بدیل آینده‌پژوهی رایج با تکیه بر اسلام می‌تواند قابلیت‌ها و شیوه‌های نوین و کامل‌تری برای طراحی و خلق آینده‌ی مطلوب فراهم سازد. و این امید را ایجاد می‌کند که بر خلاف آینده‌پژوهی رایج بتواند در مسیر رشد و تعالی بشریت تاثیرگذار باشد. بر این اساس "آینده‌پژوهی اسلامی، پژوهش به منظور شناخت احتمالات و مؤلفه‌های کلیدی آینده با استفاده از منابع عظیم و لایتناهی اسلامی، تصویرسازی از آینده‌های مطلوب و ارایه تجویزهای کارآمد به منظور تعیین اقدامات موردنیاز برای نیل به چشم‌انداز آرمانی اسلام است"

مهم‌ترین ویژگی آینده‌پژوهی اسلامی توجه ویژه سعادت اخروی است و تحقق آن را به عنوان چشم‌انداز اصلی بشریت هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی می‌داند. آینده‌پژوهی تنها در پی تامین رفاه بشر در دنیای مادی است اما آینده‌پژوهی اسلامی می‌کوشد سعادت دنیوی و اخروی را برای بشر به ارمغان آورد. و در این راه ابزارها و منابعی نوینی در اختیار بشریت قرار می‌دهد.

البته باید توجه داشت که گزاره‌های مطرح‌شده در این مقاله تنها آغازی بر این راه خطیر هستند و اهداف و مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی با همت جمعی آینده‌پژوهان علاقه‌مند و دارای دغدغه اسلامی‌شدن در طول زمان اصلاح و تکمیل شوند. گام نهادن در مسیر تحقق آینده‌پژوهی اسلامی سبب روشن‌شدن بسیاری از وجوه آن خواهد شد.

References:

منابع:

۱. عبوضی، م.، پدرام، ع. (۱۳۹۰) نقش آینده‌پژوهان در شکل‌گیری آینده‌پژوهی اسلامی، فصلنامه انتظار موعود، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص: ۲۵-۴۱.
۲. The Millennium Project (۲۰۱۱) Futures Research Methodology.
۳. Toffler, A. (۱۹۸۰) The Third Wave, New York: Bantam Books, p: ۱.
۴. Binti Wan Zakaria, F. (۲۰۱۰) Futures Studies in Contemporary Islamic and Western Thought, The University of Birmingham, p: ۸۹.
۵. Bell, W. (۲۰۰۳) Foundations of Futures Studies (۳th ed.), New Jersey: Transaction Publishers.
۶. David, M. (۲۰۰۵) Science in Society, Palgrave Macmillan, New York, p: ۱۱۵.

۷. Ref ۵, p: ۵.
۸. Ibid, pp: xxxi-xxxii.
۹. Ibid, p: ۵۹.
۱۰. Inayatullah, S. (۲۰۰۷) Questioning the Future (Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation) (۳th ed.), Tamkang University, p: ۱.
۱۱. Inayatullah, S. (۲۰۱۲) Futures Studies: Theories and Methods, in There's a Future: Visions for a Better World, BBVA, pp: ۳۴-۶۵.
۱۲. Ref ۵, p: ۱۱۱.
۱۳. Ref ۵, pp: ۱۱۵-۱۶۴.
۱۴. Ref ۵, p: ۲۳۵.
۱۵. Ref ۵, p: ۵.
۱۶. Malaska, P. (۲۰۰۳) Futures and Penetration to the Futures, Acta Futura Fennica, Helsinki, pp. ۳۵۳-۳۶۱.
۱۷. تقوی، م، طبائیان، ک، پدرام، ع. (۱۳۸۷)، راهبردهای طراحی و راهاندازی رشته آینده‌پژوهی، همایش آینده‌پژوهی، نوآوری و همگرایی فناوری.
۱۸. Sardar Z. (۱۹۸۹) Explorations in Islamic Science, London: Mansell Publishing Ltd, pp: ۴۸-۴۹.
۱۹. Ibid, pp: ۱۰۴-۱۰۷.
۲۰. Ibid, pp: ۵۰-۵۱.
۲۱. Sardar Z. (۱۹۸۸) The Future of Muslim Civilization, Kuala Lumpur: Pelanduk Publications.
۲۲. Sardar Z. (۱۹۸۵) Islamic Futures: The Shape of Ideas to Come, London: Mansell Publishing Ltd.
۲۳. Elmandjra, M. (۱۹۹۰) The Future of the Islamic World, Symposium on Future of the Islamic World, Algiers, ۴-۷ May ۱۹۹۰, pp: ۱-۲.
۲۴. Ref ۴, pp: ۱-۲.
۲۵. تقوی، م. (۱۳۹۱) دو سطح بدیل‌اندیشی برای تکنولوژی، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۸، شماره ۷۳، صص ۵۳-۸۴.
۲۶. پدرام، ع. (۱۳۹۲) چیستی آینده‌پژوهی اسلامی و راهبردهای تحقق آن، رساله دکتری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، صص: ۱۸۰-۱۹۰.
۲۷. رستمیان، م. (۱۳۸۸) گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان چینی در موحدیان عطار، ع. گونه‌شناسی موعود در ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۸. Ref ۵, p: ۶۸.
۲۹. Ibid, pp: ۷۳-۷۵.
۳۰. طباطبائی، م. ح.، (۱۳۷۴) تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ج ۲۰، ص: ۴۷۸.
۳۱. همان، ج ۲۰، ص: ۴۳۲.
۳۲. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۰، ص: ۱۴۵.
۳۳. منبع ۳۰، ج ۲۰، ص: ۶۱۰.
۳۴. منبع ۳۲، ج ۲۷، ص: ۲۹۹.
۳۵. همان، ج ۷، ص: ۱۶۷.
۳۶. همان، ج ۱، ص: ۲۸۳.
۳۷. همان، ج ۹، صص: ۲۱-۲۲.
۳۸. همان، ج ۱، ص: ۱۹۵.

۳۹. Ref ۵, pp: ۱۱۵-۱۱۶.

۴۰. Ref ۵, p. ۱۵۴.

۴۱. منبع ۳۲، ج ۸، ص: ۳۳۱.

۴۲. تقوی، م. (۱۳۹۱) بررسی امکان‌پذیری و چگونگی تحقق نظام علم و تکنولوژی مبتنی بر دین، رساله دکتری، دانشگاه صنعتی شریف، صص: ۸۹-۹۰.

۴۳. منبع ۳۲، ج ۱، ص: ۷۱.

۴۴. منبع ۳۰، ج ۱۰، ص: ۳۷۱.

۴۵. همان، ج ۱۰، صص: ۱۱۰-۱۱۱.

۴۶. طبرسی، ف. (۱۳۶۰) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران: فراهانی، ج ۱، ص: ۵۳.

۴۷. منبع ۳۲، ج ۲، ص: ۱۰۰.

۴۸. کلینی، م. (۱۳۶۹) اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، کتاب فروشی علمیه اسلامیه، تهران، ج ۲، ص: ۲۷۸.

۴۹. منبع ۳۲، ج ۸، صص: ۱۴۹-۱۵۰.

۵۰. Ref ۵, pp: ۱۵۰-۱۵۴.

۵۱. منبع ۳۲، ج ۱۴، ص: ۴۸۴.

۵۲. همان، ج ۱۷، ص: ۱۵۰.

۵۳. منبع ۳۰، ج ۱۶، ص: ۴۰۴.

۵۴. منبع ۳۲، ج ۹، ص: ۱۰.